

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: محمد رحیم افضلی

۲۴ جون ۲۰۱۱

پاکستان

عمق ستراتیژی منطقه نی انگلیسها در انتقام از

افغانستان

۲

سابقه انگلیسها در منطقه :

حقیقت امر این است که انگیزه موجودیت و تولد پاکستان به عنوان یک کشور مستقل و اسلامی به همان اندازه شفاف، میمون و مبارک بوده و است که ساختار تشکیلاتی و مدیریت آن، پیچیده، مشکوک و در عین حال درد سر ساز بوده و است!

آنها (انگلیسها) هرگز فکر نمی کردند که پس از ۱۰۵ سال حکومت غیر مستقیم و ۹۰ سال حکومت مستقیم بر هند این کشور افسانه نی تاریخ در جهان و سایر کشورهای منطقه با تجاوز به افغانستان دلیل و خوار شده و شاهد مرگ چهارده هزار و نهصد و نود و نه نفر از پانزده هزار نیروی مجهزش در افغانستان اشغال شده باشند!

آنها دیدند که چگونه مقاومت مجاهد زنان و مردان شجاع و تیر به دوشان دشمن شکن و کفر برانداز افغانستان در دفاع از اسلام و کیان اسلامی طی سه جنگ متواتر باعث و یا علت العلل شکست ۱۰۵ سال حکومت انگلیسها بر هند بزرگ گردید!

ماحصل جنگ علاوه بر تلفات جانی و مالی برای طرفین، شکست انگلیسی ها و ایجاد کشور اسلامی پاکستان را رقم زد.

اما، انگلیسهای زیرک و کهنه کار شکست شان را با امضاء قرار داد تحمیلی و نامیمون خط دیورند آنهم در داخل خاک افغانستان برنامه ریزی و جبران نمودند که بعد از تشکیل طبیعی کشور اسلامی پاکستان در بین هند و افغانستان امتیازات ویژه را از آن خود نموده تا جائیکه در هر یک از تحولات منطقه نی فی مابین هند و پاکستان و افغانستان و یا پاکستان و افغانستان حتی سایر تحولات منطقه نی در رابطه با افغانستان و یا هند از کشورهایی مثل

عربستان، امریکا، چین و یا شوروی حتی ایران ترکیه و کشور های عربی از طریق پاکستان اسلامی امتیاز خواهی نموده سوء استفاده کنند!

البته این بدان معنی نبوده و نیست که مردم مسلمان و شریف پاکستان و یا رهبران آنها خدای نا خواسته انگلیس می باشند! اما مدیریت و رهبری تشکیلات سیاسی و اداری آن در سطح برنامه ریزی های بزرگ و کلان به هیچ و چه من الوجود خارج از چهار چوب منافع انگلیسها نبوده و نخواهد بود!

به عبارت دیگر میکانیزم طرح و برنامه ریزی دراز مدت انگلیس ها در رابطه با رهبری و مدیریت تشکیلاتی پاکستان در محور منافع منطقه ئی انگلیسهای کهنه کار رقم خورده است و اگر چنانچه وضعیت کماکان ادامه پیدا کند توقع اینکه ملت شریف آن به عنوان يك کشور مستقل اسلامی سکان دار همان حکومتی باشند که مسلمانان واقعی آن می خواهند، يك امر بیهوده است!

مگر اینکه ملت پاکستان اعم از مسلمان و غیر مسلمان متحول شده و باور کنند که روح حاکم بر تشکیلات پاکستان و مدیریت رهبران و دست اندر کاران سیاسی، نظامی، استخباراتی آنها هنوز هم تابع همان بریتانیائی هائی هستند که دیروز بودند! منتها به نوعی دیگر!

چنانی که ملت مسلمان و جهاد مردان افغان برای دفاع از کیان اسلامی شان انگلیس و روس را شکست دادند و نگذاشتند که ناموس دینی و ملی شان ملعبه و بازیچه دشمنان اسلام واقع گردد!
اما!

دیده شد که بازیچه دست افراد و اشخاص معلوم الحال وابسته به اجنبی، آنها در جهت خوش خدمتی به دیگران و نقشه های ایادی انگلیسها از طریق پاکستان، علیه یکدیگر سنگر گرفته تا جایی که ملت را مصیبت زده، و کشور را ویران نمودند!

باید گفت در محکومیت آن عده کسانی که می توانستند در کنار هم بنشینند و یکدیگر را تحمل کنند اما نشستند و تحمل نکردند همین بس است که و قتی ارباب قدرت مند شان اراده نمود، سمعاً و طاعتاً گفته در کنار یکدیگر نشسته و به فرمان و فیصله های امریکا و انگلیس با خفت و خواری آغوش باز کرده از دشمنان دینی و ملی شان که تا دیروز در مخالفت با حضور ایشان میلیونها شهید دادند، این گونه استقبال نمودند!

با توجه به سابقه تاریخی مردم دو طرف خط دیورند و تشکیل پاکستان توسط انگلیسها طبیعی ترین مرز جغرافیائی فی مابین افغان و انگلیس به عنوان خط فاصل چیزی جز رود سند نبوده و نیست!

زیرا فرهنگ حاکم و موجود، در دو طرف آن فرهنگ خراسانی و هندی بوده و است. به این عبارت که اقوام پشتون، بلوچ، حتی پنجابی و سندی های مسلمان غرب رود سند نسبت به پنجابی ها و سندی های آن طرف رود متفاوت است زیرا فرهنگ شان فرهنگ خراسانی و اسلامی است. در حالیکه فرهنگ در شرق رود سند يك فرهنگ کاملاً هندی است.

امضاء قرار داد دیورند در اندرون خاک افغانستان آنها بین مسلمانان به مثابه زخم چرکین و درمان ناشدنی می ماند که بدن يك پارچه مسلمانان افغانستان و پاکستان را آزار داده و شکنجه می کند!

اگرچه نه انگلیسها پس از امضاء و نه پاکستان پس از تشکیل دولت، توانسته است ارتباط فیما بین مسلمانان به خصوص پشتونهای دو طرف دیورند را قطع کند.

اما این دردسر همیشگی به عنوان سرطان لاعلاج بین مردمی که قدامت تاریخی و فرهنگی آن به هزاران سال و قدامت اسلامی آن به درازای تاریخ صدر اسلام در آن سرزمین می باشد، رقم زده شد!

به عبارت روشن امضای دیورند به عنوان خط فاصل بین مسلمانان به همان اندازه ناراحت کننده و غیر قابل تحمل برای افغانها ست که تداوم رهبری و مدیریت تشکیلاتی پاکستان توسط انگلیسها به عنوان میراث شوم و فتنه پایان ناپذیر برای ملت پاکستان و کشورهای منطقه می باشد!

میراثی که نه تنها برای مسلمانان افغانستان و پاکستان که برای کشورهای منطقه مشکل آفرین و درد سرساز گردیده است که این گونه گاه و بیگاه حادثه سازی نموده و به بهانه آن، مردم آن سامان و منطقه را به رویارویی کشانده و صحبت از امتیاز طلبی و منافع منطقه نی خود می کنند!

در يك جمله می توان گفت: میزان استفاده جوئی از خط فرضی و مرزی به نام دیورند در اندرون خاک افغانستان جز برای انگلیسها و سرسپردگان آنها برای هیچ کسی دیگر حتی پاکستانی های مسلمان دست آوردی نداشته و هنوز هم ندارد!

بناءً گفتمان فی مابین افغانستان و انگلیس را پیرامون خط دیورند که صد سال و اندی قبل بین دولتین امضاء شده است به عنوان یک راه کار پیشنهاد می کنم تا تضمین رفع مشکلات فی مابین افغانستان و پاکستان و هکذا دفع خطر القاعده، تروریسم، طالب موادمخدر و نیروهای انتحاری در منطقه و جهان باشد. در غیر آن مسؤولیت ناشی از بحران منطقه به دوش پاکستان خواهد بود!

انگلیسها وتوطئه بر آمدن:

با توجه به شکست انگلیسها در افغانستان و مبارزات سیاسی اسلامی چون سید جمال الدین الافغانی در راستای استقلال مسلمانان شبه قاره هند و مبارزات مردم هندوستان اعم از مسلمان و هندو، علیه انگلیس ها به رهبری جواهر العل نهری، انگلیسها تصمیم گرفتند تا از سرزمین افسانه نی جهان خارج شوند.

بر آمدن انگلیسها با برنامه ریزی کاملاً حساب شده و دقیق انجام گرفته است. زیرا قبل از برآمدن از هندوستان، همه پرسى را در رابطه با تشکیل کشور مستقلی به نام پاکستان در تمام مناطق مسلمان نشین من جمله در سرحدات مربوط به پشتونها به نمایش گذاشت.

انگلیسها قبل از برآمدن با ترمیم قانون ۱۹۳۵ هند، مسلمانان را در برابر عمل انجام شده به نام کشور اسلامی پاکستان قرار داد. زیرا در آن قانون صریحاً مؤسسات و نهاد های دولتی را که انگلیسها برای اداره مردم بومی آن سامان ساخته بودند و بالاتر که اداره و کنترل آنها به دست افراد وابسته به خودشان سپردند که بدون اجازه انگلیسها کار نمی کردند.

در حقیقت ساختار اداری و رهبری توأم با مدیریت پاکستان را از ابتدای تشکیل، پیچیده، شوم و نامیمون رقم زدند که این چنین برای افغانستان و منطقه حتی خود پاکستانی ها دردرساز باشد! چنانچه هشت سال پس از استقلال هنوز هم به آن عمل می نمودند! بالاتر که رهبران شان از طرف ملکه انگلیس تعیین می گردید!^(۱)

به عبارت ساده و روشن، ساختاری که انگلیسها به ارث گذاشت طوری بوده و است که نه تنها پاکستان پس از استقلال به آن عمل می نماید که تا امروز از آن تبعیت نموده و در روشنائی آن عمل می کنند!!

خوانندگان عزیز:

برای اثبات مطلب خود پیرامون خصوصیتهای مشترک سردمداران سیاسی انگلیس و میکانیسم تشکیلات اندرونی سیاست مداران پاکستانی و عمل کرد آنها چند نمونه را متذکر شده پی گیر مطلب خود می شوم.

انگلیسیها:

روح حاکم بر میکانیزم سیاست انگلیس پیچیده، موهوم چند پهلو و سرنوشت سیاسیون آن متغیر و به دور از ثبات می باشد!

از پاکستانیها:

روح حاکم بر میکانیزم سیاست و رهبری سیاسیون پاکستان از ابتدای امر مجهول، مبهم، درد سرساز، شك بر انگیز و گره خورده به سیاست انگلیسیها بوده است! تا جائیکه خود سیاسیون پاکستانی هم ندانسته و نمی دانند! چه رسد به ملت مسلمان پاکستان!

انگلیسیها :

سیاست حاکم بر تشکیلات انگلیس مبتنی بر دروغ، نیرنگ و تزویر بوده و است. و اساساً انگلیسیها در این رابطه گوی سبقت را از همه کس ربوده اند تا جائیکه هر دروغ و فتنه را به آنها نسبت داده و می دهند .

از پاکستانیها:

سیاست مداران اصلی پاکستان اکثراً چل باز، ریاکار، دروغ گو، مفت خوار و نامرد روزگار بوده و می باشند! در حالیکه مردم پاکستان اکثراً دلسوز، غریب نواز، صبور، زحمت کش و خوشتن دار می باشند.

انگلیسیها :

کانال کشی های سیاسی و تشدید اختلافات درونی فی مابین احزاب، گروهها، کشور ها به قول شهید هاشمی نژاد حتی (کج کردن درخت ها در رابطه با تربیت بچه ها میراث شوم انگلیسهاست) (۷)

از پاکستانیها:

میکانیزم سیاست حاکم بر پاکستان و بقای آن به عنوان يك کشور، گره خورده به وجود اختلافات اقوام و قبایل، و هکذا تضادهای طبقاتی فی مابین اقوام و قبایل است! حکومت در آن وادی در گرو آرامش اقوام و قبایل آن سامان است که سر نخ آن در دست آی، اس، آی قرار دارد!

انگلیسیها:

انگلیسیها با ظاهر آرام و ملایم، به نام آبادانی و توسعه، نرمك نرمك نفاق می افکنند، طبقه می سازند و حکومت می کنند.

پاکستانیها :

اما سیاست مداران پشت پرده پاکستان، باطن حسودانه و شیطننت آمیز شان را با مظلوم نمائی منحصر به خودشان پنهان نموده آهسته آهسته و به تدریج نیش شان را فرو برده گاهی از توبره و گاهی هم از آخور می خورند! با زور می سازند و زر می گیرند و بستر ساز منافع ارباب شان انگلیس(تزویر) می گردند!

انگلیسیها :

انگلیسیها در تحریف مطالب سیاسی، فرهنگی، اعتقادی و اخلاقی و سوء استفاده از آنها بی بدیل هستند!

پاکستانیها :

در حالیکه بنیاد سیاست در کشور پاکستان به اساس تحریف، پرو پاگند، جعل، تقلب و تهمت گذاشته شده است. تا جائیکه، صداقت- منتفی، فریب- معقول، مکر- عادت، منافقت- امتیاز، دروغ- مشروع، و استفاده جوئی در عالم سیاست برای بازی گران سیاسی آن جزء بر نامه زندگی روزانه شده است!

طوری که اگر نباشی و یا نداشته باشی در سیستم و تشکیلات سیاسی پاکستان خواهی بود! به عبارت روشن تر، هر قدر شیطان تر بهتر تر و عالی تر!

انگلیسیها :

در يك كلام ثبات در سياست ، صداقت در گفتار ، صفا در رفتار ، مردانگی در شأن، پاکی در نیت و کمک بدون توقع در ذات انگلیسیها دیده نمی شود!

پاکستانیها :

اگر به واقعیت های انجام شده سیاسی و عملکرد های روانشناختی سران سیاسی پاکستان در تاریخ ۶۰ ساله آن نگاه کنیم بدون مبالغه می توان گفت:

ستراتژی پاکستان مساوی به عمق سیاست انگلیسیها در انتقام از افغانستان! جهت حضور در منطقه است! اگر اشتباه نکنم امریکا هم قربانی توطئه انگلیسهای می شود که پاکستان را رهبری می کند! زیرا این انگلیسهاست که می خواهد افغانستان را همانند پاکستان بسازد علی رغم تفکری که می گویند پاکستان هم به سرنوشت افغانستان مبتلا می شود!

انگلیسیها با بر آمدن از هندوستان طرح ۳ جون را مبتنی بر تشکیل دو کشور مستقل یکی مسلمان نشین و دیگر هندو، طوری بر نامه ریزی نمودند که همیشه امتیازات خاص و ویژه را داشته باشند! کما اینکه دارند! انگلیسیها می دانستند که داکتر خان و خان عبدالغفار خان به عنوان بازیگران سیاسی قبایل پشتون با تکیه بر ناسیونالیسم ملی و پشتون گرایی که دارند در اندیشه تشکیل کشور مستقلی بهنام پشتونستان اند، چنانچه همواره با هندو ها و حتی خود انگلیسیها بگو مگو هائی داشته اند!

داکتر خان به همکاری برادرش در سال ۱۹۴۵ دو سال قبل از عقب نشینی انگلیسیها، به هم کاری نهر و حزب کنگره در برابر محمد علی جناح^(۳) و حزب مسلم ليك قرار گرفت که وزیر اول ولایت گردید. اما بخت به ایشان یاری نکرد به این عبارت که پس از دو سال انگلیسیها عقب نشینی و کنگره در مقابل مسلم ليك به زانو در آمد. و سرانجام پاکستان به عنوان کشور مستقل اسلامی متولد گردید.

به تاریخ ۳ جون ۱۹۴۷ زمانی که تقسیم نیم قاره هند را به دو بخش تقسیم می نمودند غفارخان به خاطر مسأله پشتونستان مستقل، با نهر و حزب کنگره همگام شد و از مردم خواست به درخواست مسلم ليك مبنی بر تشکیل پاکستان رأی ندهند!^(۴)

واقعیت ملی گرائی به نام پشتونوالی غفارخان و برادرش آنهم در شرایطی که انتخاب بین اسلام و هندوئیسم رقم می خورد نشان می دهد که قضیه پشتونستان مستقل و یا آزاد قبل از هر چیز بستر مناسب و بهانه همیشه است برای انگلیسیها! به نظر می رسد که سر نخ اصلی تشدید رقابت هند و پاکستان همواره دست انگلیسیها بوده و می باشد! چنانچه نایب السلطنه انگلیس در هند، خواست غفارخان را نپذیرفت و گفت: که پلان ۳ جون بدون موافقت هر دو جناح (مسلم ليك و کنگره) تغییر نخواهد کرد.

پیچیدگی قضیه پشتونستان همراه با برنامه انگلیسیها مبتنی بر منافع دراز مدت شان از همان جا شروع شد که از پاکستان مورد نظرشان در رابطه با خواست پشتونها از يك طرف و همسوسازی مردم سرحد در رابطه با تشکیل پاکستان اسلامی حمایت کرد زیرا تنها راهی بود که يك پارچگی پشتونها را نه تنها آسیب پذیر می نمود که پاکستان را همواره در برابر افغانستان قرار می داد!

سر انجام در تاریخ ۱۶ و ۱۷ جولای همه پرسى صورت گرفت و مردم مسلمان سرحد ۲۸۹۲۲۴ رأى به نفع پاکستان و ۲۸۷۴ رأى در ماندن به هندوستان دادند.^(۵) غفارخان و برادرش فكر نكردند كه بحث اصلى بين مسلمان و هندو است نه استقلال کشور پشتون!
ادامه دارد

پاورقى ها:

- ۱- جهاد افغانستان و جنگ سرد قدرتها اثر ابراهيم ورسچى
- ۲- مناظره دكتور و پير اثر شهيد هاشمى نژاد
- ۳- جنا، در لسان مادري محمد على معنى لاغر اندام و كوچك را دارد. از آنجائى كه محمد على خيلى ضعيف و در عين حال كوچك بود، او را محمد على جنا مى گفتند. اما وقتى به زعامت پاکستان رسيد حرف (ح) را به خاطر رفع صفت تصغيرى او علاوه كردند!
- ۴- جهاد افغانستان و جنگ سرد قدرتها اثر ابراهيم ورسچى
- ۵- جهاد افغانستان و.....